

ادامه بحث درباره شوکه شدن جامعه ترکیه با انقلاب های آتاتورک

مصاحبه با فکرت باش کایا

سرویس ترکیه/خبرگزاری آران

خبرگزاری آران / سرویس ترکیه : به دنبال اظهارات محمد فرات معاون حزب عدالت و توسعه مبنی بر اینکه جامعه ترکیه با انقلاب های آتاتورک شوکه شده ، بحث ها و اعتراض های گسترده ای درقبال این اظهارات مطرح شد؛ با فکرت باش کایا دراین مورد مصاحبه ای ترتیب دادیم که مشروح آن به قرار زیراست.

س/ به نظر می رسد برخی تحولات اجتماعی هم جامعه را به طور کلی و هم افراد را به طورخاص دچار شوک کرده است.اگر ازاین منظر به موضوع نگاه کنیم متوجه می شویم نه بهبودی درسطح اجتماعی و نه بهبودی فردی به چشم می خورد؛ دراین شرایط چه کار باید کرد؟

ج/ درچنین شرایطی باید تحولاتی را که درگذشته رخ داده ، بدون هرگونه ملاحظه ای و آزادانه مورد بحث قرارداد.برای مثال میدانید که مصطفی کمال آتاتورک را تبدیل به یک بت کردند و به وی استعدادهایی فرا بشری اعطا شد.البته باید گفت، آتاتورک را بی خودی تبدیل به بت نکردند؛ هدف گول زدن مردم زحمتکش جامعه و انتظاراتی بود که ازاین مردم داشتند و نیز می خواستند بعضی چیزها را ازچشم مردم پنهان کنند.از سوی دیگر، برای اینکه این بت شکسته نشود، قوانینی در سال 1951 وضع شد. اگرآتاتورک تا این حد استعدادهای فرابشری داشت، پس چرا تلاش می شود با قوانینی که انسان های معمولی وضع میکنند وی را حفاظت کنند ؟ به هرحال باید بتوان آنچه که درآن دوران اتفاق افتاده را بدون هرگونه تعصبی مورد بحث قرارداد .

س/ از سوی دیگر وقتی می خواهیم درخصوص این تحولات بحث کنیم دسترسی به حقایق تاریخی هم دشوار به نظر می رسد؛ میدانید زبان نگارش عوض شده و سیستم حاکم هم شرایط خاصی برای دسترسی به اسناد تاریخی برای خود تعریف کرده است .

ج/ بله، کاملاً" درست است.برای مثال تغییرالفبای قدیم به الفبای جدید که لاتین است، آن هم بدون گذر از دور تطبیقی ، به عنوان انقلاب الفبا شناخته می شود.این درحقیقت بیگانه سازی مردم با گذشته خویش است؛ لذا این حرکت یک انقلاب نیست،بلکه یک جنایت است.اما اگر حتی گفته شود فراگیری الفبای قدیمی دشوار بود، این ادعا هم خیلی مسخره است چونکه در یک جامعه میزان افراد با سواد به الفبا ربطی ندارد؛ بلکه به میزان اهمیتی که به آموزش داده می شود، بستگی دارد . کمالین که 20 سال پس از گذر به الفبای لاتین حدود 80 درصد مردم ترکیه سواد خواندن و نوشتن نداشتند؛ به عبارتی گذشته مردم را نابود کردند و انقلاب الفبا یکی از این مسایل بود .

س/ از سوی دیگر، وقتی مردم با گذشته خود بیگانه شدند، شروع به تغییر کردند .

ج/ بله، همین طوراست . بعد از سال 1925 که این انقلاب رخ داد کشور تبدیل به یک زندان بزرگ با 1800 کیلومتر طول شد. میدانید که در ترکیه گروه های مخالفی نظیر کردها و اسلام گرایان هم بودند . بعد در سال 1946 هم روند دمکراسی یک دروغ بزرگ بود . مسئله حزب دمکرات و تشکیل آن بدون هرگونه ایجاد زیرساخت لازم بود و گروهی که از حزب جمهوریخواه خلق جدا شده بودند یک حزب تشکیل دادند و بعد هم مجبور شدند در مقابل به قدرت رسیدن این حزب کوتاه بیایند . اما وقتی مردم وارد مدار شدند، اوضاع به هم ریخت و درنتیجه درحال حاضر نیزچنین سیستمی برترکیه حاکم است واین بحث ها هم از همین جا ناشی می شود.به عبارتی این روند از گذشته تاکنون استمرار داشته و دارد.حرکت مشروطه دوم در 1908 ، کودتای آتاتورک در 1923 و اعلام جمهوری و حرکت حزب دمکرات درسال 1946 هم همگی مسئله مهمی نبودند.آنچه مهم است حاکم بودن روندی است که به آن اشاره کردم و امروز جنگ لائیک غیرلائیک هم ناشی از همین روند است و مسئله اصلی ضعف قشر روشنفکر ترکیه است که به اندازه کافی رشد نکرده است .

س/ این ضعف را چگونه باید برطرف کرد؟ آیا موانع سیاسی باعث عدم رفع این ضعف میشوند یا موانع فرهنگی ؟

ج/ درراس موانع موجود موانع سیاسی قرارداد.درراس موانع نفوذ سیستم حاکم بر روی افکار مردم و تخریب آنهاست. اما به هرحال مردم کم کم آگاه می شوند و شروع به سوال میکنند.ازاین منظر می توان گفت، روند رو به بهبودی در جریان است.از سوی دیگر، جامعه ترکیه علیرغم سطح سواد بالا،جامعه ای با جاهلان با سواد و عجیب و غریب است.یعنی در دانشگاه ها به غیراز علم هرکاری صورت می گیرد.به عبارتی دانشگاه های ترکیه قاتل اندیشه آزاد هستند.

پایان پیام.